

با چالش‌ها و موانع جدی مواجه است که بدون مدیریت و حل و فصل آن‌ها همگرایی اقتصادی در این منطقه هم‌چنان دور از انتظار خواهد بود. موانع همگرایی اقتصادی در حوزه‌ی خلیج‌فارس لزوماً متغیرهای اقتصادی نیستند، بلکه از عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ایدئولوژیکی ناشی می‌شود. در این بخش به برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌پردازیم.

## ۲-۱. وجود نظام‌های سیاسی و ایدئولوژیکی متعارض و منازعات فرقه‌ای

یکی از چالش‌های جدی که پیش‌روی دغدغه‌های همگرایان در منطقه‌ی خلیج‌فارس وجود دارد، نظام‌های سیاسی متعارض است. ساختار سیاسی در بین هشت کشور حوزه‌ی خلیج‌فارس ناهمگون است. شش کشور از هشت کشور این منطقه (عربستان سعودی، عمان، قطر، امارات متحده عربی، کویت و بحرین) تحت حاکمیت پادشاهی‌های محافظه‌کار هستند که در عین اشتراک در سیستم حکومتی پادشاهی، دارای اختلافات جدی در ریشه‌ها و منابع مشروعیت این پادشاهی‌ها هستند. برای مثال پایه‌های حاکمیت در عربستان سعودی به آل‌سعود و اندیشه‌های وهابی وابسته است؛ در حالی که پایگاه پادشاهی قطر به اندیشه‌های اخوانی نزدیک است. «هم‌چنین اختلافات عقیدتی، نظیر اختلافات ایدئولوژیک میان عربستان که متأثر از «وهابیت» است و مقامات عمان که دارای گرایش‌های «اباضیه» اند، بر دامنه‌ی تنش‌ها در منطقه می‌افزایند» (جوادی ارجمند و احمدی، ۱۳۹۱، ص. ۸۷۰-۸۶۹)

در کل، این شش کشور دارای حاکمیت پادشاهی محافظه‌کار، با وجود اشتراک ظاهری، در ریشه‌ها و منابع مشروعیت‌شان، سیستم حکومت‌داری، فرایند تصمیم‌گیری دارای اختلافات جدی هستند. در همه‌ی این کشورها برخی از گروه‌های جامعه مانند طبقه‌ی متوسط تحصیل کرده و برخی از گروه‌های مذهبی و فرقه‌ای، مشروعیت پادشاهی‌ها را به چالش می‌کشند. از بین این شش پادشاهی منطقه، حکومت کویت تا حدودی نیمه دموکراتیک است و پارلمان قوی‌تری نسبت به بقیه دارد. از طرفی دیگر جمهوری اسلامی ایران تحت حاکمیت ولایت‌فقیه متکی بر مذهب شیعه هم اختلاف ساختاری و هم اختلاف